

درنگ



ظرفیت تمدن‌سازی در عرفان اسلامی

خون است.

در فتوحات ج ۲ ص ۱۴۶ بیان ایشان این است: «لما کان إنزال المہج أعظم المشاق علی النفوس لهذا سُمی جهادا»؛ با اینکه در نماز و روزه مجاهده هست ولی به آنها نگفته‌اند جهاد ولی به جهاد اصغر گفته شده است. به همین خاطر گویسی مجاهد مثل دائم الصیام و دائم الصلاة است. در ج ۴ ص ۴۶۳ می‌گوید: «حتی یرجع إلی أهله بما اکتسبه من أجر أو غنیمة إنه کالصائم القائم القانت بأیات الله لا یفتّر من صلاة ولا من صیام حتی یرجع المجاهد و قد عرفت بالحدیث الصحیح که آن الصوم لا مثل له وقد قام الجهاد مقامه و مقام الصلاة و ثبت هذا عن رسول الله (ص)»

باز در فتوحات ذیل آیه «التائبون... و بشر المؤمنین» که قسمت به قسمت عنوان‌هایی را که در آیه شریفه آمده است درباره سالکان الی‌الله مطرح می‌کند تا می‌رسد به ساحتی که در اصل لغت به معنای سیاحت است که اشاره دارد به سابقه تاریخی این امر در ادیان که سیاحت معنوی بوده است، ولی در فضای سیاحت اسلامی این را جهت داد به سمت حج و جهاد است و حتی در اسلام بروزات معنویات‌گرایانه در ادیان سابق به سمت اعتکاف در مسجد در قبال گوشه‌گیری‌های در غار‌ها مطرح شد.

اگر روح معنویت الهی کمال انقطاع الی‌الله است و رهبانیت است و رهبانیت معنای حقیقی‌اش این است دیگر نمی‌توان از تمدن‌سوزی معنویت اسلامی سخن گفت. با تعبیر تعارف‌رهبانیه‌فی‌جوههم، چندین روایت وجود دارد رهبانیت و مسئله انقطاع را توضیح می‌دهد. در اصل مسیحیت التزام به عدم انجام از دواج نبود، بلکه حسن آن بود. در زمان رسول خدا (ص) همین رهبانیت‌ها شکل داشت می‌گرفت ولی رسول خدا (ص) این را به سمت خاصی جهت داد. بنابراین باید بگوییم جهاد در راه خدا، رهبانیت است و این در مجاهده‌ی‌الله است. جهاد باید ابزاری برای سلوک و خودسازی تلقی شود. اگر حقیقت عرفان اسلامی گذشتن از خود باشد، حالا باید ببینیم برنامه‌های متعدد سلوکی چه میزان می‌تواند این را تأمین کند. بسیاری از برنامه‌های سلوکی گاه‌ظاهرش از خود گذشتن، ولی باطنش خود پرستنی شده است. مانند رسیدن به قدرت‌ها و بهره‌مندی‌هاست، اما در عباداتی که سخت می‌شود این فرصت خیلی بهتر مطرح می‌شود؛ مانند نماز شب و روزه در اینجا مشاهده نمی‌شود. تعدیل شده است. مثلاً درباره ثبت روایتی هست که خانی می‌آید خدمت امام صادق(ع) و می‌گوید مادر تان فاطمه زهرا(س) بتول بود و من هم می‌خواهم چنین شوم. امام صادق(ع) پرسید می‌خواهی چه کار کنی؟ گفت می‌خواهم ترک از دواج کنم. حضرت فرمود مادر من بتول بوده و متبته بود ولی از دواج کرد و فرزند داشت و همسر داری شده‌اند، و با نیرو و سازماندهی جدیدی به مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و دولت‌های حاکم پرداخته‌اند. مثلاً حرکت اسلامی در دانشگاه‌های لنجابع، بیزریت، غزه، بیت‌المقدس و الخلیل، به نحو چشمگیری پس از انقلاب اسلامی گسترش و توسعه یافت و با فعالیت گروه جماعه‌المسلمین که حضوری محدود در نوار غزه داشت، در پی انقلاب اسلامی ایران و نیز به دنبال احکام صادره از سوی داد‌گاه نظامی رام‌الله علیه اعضای آن، افزایش پیدا کرد.

نقش انقلاب اسلامی در ایجاد جرئت اظهار دینداری

انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر اینکه عزت شیعیان را با زنده کردن روحیه انقلابی از تقا داد سایر مسلمانان را نیز در سراسر جهان عزت‌مند کرد. تا قبل از انقلاب اسلامی، مسلمانان در کشورهای غربی از مسلمان بودن خود شرم می‌کردند؛ اگر خود را ملتزم به احکام شرعی از قبیل نماز، روزه و سایر واجبات می‌دیدند، به مرجع بودن متهم می‌شدند اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران مسلمانان جهان به مسلمان بودن خود افتخار و حتی از آن احساس غرور می‌کنند. همین عزت‌مندی در رأس دستاوردهای این انقلاب قرار دارد: «وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِلْمُؤْمِنِیْنَ، عزّت مخصوص خدا و پیامبر او و مؤمنان است.» انقلاب اسلامی ایران، نه فقط عزت‌مندی اسلامی را برای مسلمانان جهان به ارمغان آورد؛ بلکه پیروان سایر ادیان را نیز به تلاش انداخت و مصادیق زیادی وجود دارد که ایشان را نسبت به دینداری خویش مفتخر کرده است؛ به گونه‌ای که بعضی از مسئولان اروپایی چنین اعتراف کرده‌اند. به عنوان مثال رئیس جمهور سابق اتریش، به طور صریح معترف بود که بعد از نهضت امام، جرئت ابراز دین داشتند که انقلاب ایران به آنها مسیحی نیز باصراحت ابراز داشته‌اند که انقلاب ایران به آنها جرئت ترویج رسمی ادیان الهی و خدا پرستی را داده است.

اگر حقیقت عرفان اسلامی گذشتن از خود باشد، باید ببینیم برنامه‌های متعدد سلوکی چه میزان می‌تواند این را تأمین کند. بسیاری از برنامه‌های سلوکی گاه‌ظاهرش از خود گذشتن، ولی باطنش خود پرستی شده است. مانند رسیدن به قدرت‌ها و بهره‌مندی‌هاست



اهمیت انقلاب اسلامی، فراتر از مرزها

انقلابی که به دین‌مداران جهان شهامت بخشید

■ محمد خدا پرست

امام (ره) جمله مهمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند که کمتر شنیده شده و درجه اهمیت این انقلاب را نشان می‌دهد: «اگر این کشور ساعت‌ها باز شود و سپس تخریب گردد؛ می‌ارزید که انقلاب اسلامی در آن واقع شود»؛ برای این تعبیر تکان‌دهنده جز آنکه به نقش انقلاب اسلامی در عرصه جهانی و بشری ببیند پیشیم توجیه دیگری را نمی‌توانیم درست بدانیم. بسیاری از مردم ممکن است وقتی به نقش انقلاب اسلامی می‌اندیشند حداکثر استقلال اقتصادی و سیاسی ایران از بیگانگان را به عنوان نقطه‌ای مثبت تلقی کنند اما واضح است که انقلاب اسلامی در برخی عرصه‌های درونی مانند اقتصاد، تغییر بنیادین مکاتب اقتصادی یا تغییر اساسی رویکردها را در حد انتظار نداشته است. یا مثلاً در برخی عرصه‌های هنری مستند معماری آنچنان که از یک انقلاب همه‌جانبه انتظار می‌رود هنوز به حد مقبول پیش نرفته است. از همین روی برخی روشنفکران دچار اشتباه در ادراک ماهیت انقلاب شده و حتی گاهی آن را در حد شوروش یا پیام معرفی می‌کنند. ■ ■ ■

■ انقلابی با معیارهای جهانی

حقیقت آن است که انقلاب اسلامی در عرصه جهانی منشأ یک انقلاب تمام‌عیار بود. این انقلاب آثار عمیقی بر طرز فکرها و تلقی‌ها از ایدئولوژی اسلامی گذاشت. غربی‌ها که سکولاریسم را به عنوان فرمولی قطعی برای اعمال حاکمیت در جوامع مدرن می‌پنداشتند و مارکسیست‌ها که مذهب را افیون توده‌ها معرفی می‌کردند ناگهان با شکی مهیب روبه‌رو شدند. هر آنچه در کتب علوم اجتماعی و علوم سیاسی تعلیم می‌شد با ابهامات و مثال نقضی مهم مواجه شد. گویا نیرویی پایه به عرصه جهانی گذاشته بود که حقیقت را به گونه‌ای جز آنچه چندین قرن بر آن اصرار می‌شد به نمایش می‌گذاشت. حکومتی که ادعا می‌کرد تفکر غرب و شرق همزمان باطل بوده و حقیقت چیز دیگری است. جهان ناگهان از مرحله آرامش و ثبات به ناآرامی و تلاطم هم در بعد نظری و هم در بعد عملی رسید. این برهم زدن نظم و ثبات حاکم‌فی‌نفسه همراه نامطلوبی نبود و در صدد ایجاد تغییر در هنجارهای تثبیت شده مبتنی بر آموزه‌های دینی برآمد.

خاصه آنکه فردی در مقام مرجعیت دینی از یک طرف و عارفی پاک‌باخته از طرف دیگر کششگر اصلی این ماجرا بود. امام عارفی بود پخته و فیلسوفی آگاه که عمیق‌ترین لایه‌های اندیشه فلسفی را آموخته بود. علاوه بر این‌ها جنبه فقاہتی امام و شخصیت مذهبی ایشان در کنار ابعاد سیاسی توأم با عرفان و فلسفه که در آن روزگار علوم سکولار محسوب می‌شدند توجّه‌اندیشمندان را به خود جلب کرد. آنان نمی‌توانستند امام را به عنوان یک رهبر مذهبی دچار دگماتیسم معرفی کنند چرا که آثار و سخنرانی‌های ایشان بسیار پخته و مبتنی بر دانش‌ها و بینش اسلام سیاسی ایشان بود. با حضور این بازیگر فعال و نقش‌آفرینی جهانی انقلاب جهشی اساسی در نگرش‌های جهانی پدید آمد. درباره اصل این پدیده یعنی امام و انقلاب اسلامی هزاران ساعت دروس دانشگاهی اختصاص پیدا کرد. صداهای موضوع تحقیق و پژوهش خود را انقلاب اسلامی و مبانی فکری آن قرار دادند. تشیع کتاب قبل از انقلاب به صورت خرده فرهنگی نگر بسته می‌شد مورد توجه قرار گرفت و پس از انقلاب جانی دوباره یافت تا جایی که هزاران کتاب و مقاله در زمینه مذهب شیعیان به رشته تألیف درآمد. از سوی دشمنان نیز میلیاردها دلار برای مقابله با این پدیده

هزینه شد. کشورهای اطراف ایران توسط ارتش امریکا تجهیز شدند و در جنگ ایران و عراق از هر گونه کمکی به نابودی ین پدیده فروگذار نکردند. انقلاب اما کار خود را کرده بود.

■ انقلابی برای مستضعفین

تفکر انقلاب اسلامی نگرشی جدید بود که در عرصه جهانی و با امکاناتی که اطلاع‌رسانی جهانی دارد تا حدودی خود را به همگان معرفی کرد بسیاری از دانشمندان و طبقات اجتماعی غرب در صدد شناخت انقلاب برآمدند. الهی‌نست به حاکمیت، مستند معماری آنچنان که از خود احساس نکردند نقطه قوتی به دست آوردند احساس کردند که می‌توانند سر نوشت خود را تغییر دهند. اگر این انقلاب توسط شخصی انجام می‌شد که صرفاً سیاسی بود این قدر نمی‌توانست در تغییر نگرش‌ها موفق عمل کند. مسلمانان که در وجهه سنتی خود، برای پذیرش قضا و قدر الهی‌نست به حاکمیت، خصوصاً پس از تجارب ناکام پس از مشروطه متوسل به تفکرات جبری مسلک شده بودند دوباره عنان اختیار اعمال حاکمیت به دست گرفتند. مسلمانان و همچنین دشمنان حاکمیت اسلام می‌دیدند شخصیتی همه‌جانبه و دوابعاد، اختیار حرکت پر شکوه انقلاب را به دست گرفته و از این رهگذر در پی بر هم زدن معادلات جهانی است. امام خمینی و انقلاب اسلامی توانسته بودند آذهان مایوس مسلمانان را متحول کنند و انگارهای جدیدی به باور مردم تزریق کنند. شکل‌گیری این باورهای جدید و اعتقاداتی نظیر «باور به توانمندی»، «روحیه عدالت‌خواهی» و «استکبارستیزی» را می‌توان از جمله مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب و رویدادهای این نهضت به شمار آورد که امام خمینی برای شکل‌گیری چنین باورهایی جمله تکان‌دهنده‌ای که در بالا اشاره شد را به کار می‌برند.



انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر اینکه عزت شیعیان را با زنده کردن روحیه انقلابی از تقا داد سایر مسلمانان را نیز در سراسر جهان عزت‌مند کرد

